

عوامل پیشرفت تحصیلی در مدرسه

ناصرالدین کاظمی حقیقی

چنان که می‌دانیم مدرسه از دو طریق می‌تواند بر موفقیت یک طرح آموزشی و پرورشی تأثیر بگذارد.

الف) تأمین منابع انسانی مناسب

وجود منابع انسانی متناسب با ویژگیهای تیزهوشی^۱ و تنوع آن از عوامل تعیین‌کننده کامیابی یک طرح اختصاصی است. «معلم» و «مشاور ویژه» اساسی‌ترین منابع انسانی مزبور را تشکیل می‌دهند. علی‌رغم ضرورت آموزش و تعلیم اقتضایی (بر مبنای نوع تیزهوشی، جنسیت^۲ و پایه تحصیلی) که معلمانی با ویژگیهای متفاوت را ایجاب می‌نماید، امر مشاوره و راهنمایی کمتر تحت تأثیر عوامل مزبور قرار می‌گیرد.

به طور کلی وجوه اشتراک قابل ملاحظه‌ای میان مشاوران و معلمان ویژه، به چشم می‌خورد:

- مشاور و معلم، مهمترین ارکان موفقیت یک برنامه ویژه هستند؛
- حوزه‌های رفتاری و شخصیتی در ویژگیهای مطلوب هر دو عامل، اولویت نشان می‌دهند؛
- توجه و اهمیت تیزهوشان به توانمندی و قابلیت مشاوره و راهنمایی معلمان، گویای وجود پیوند مستحکم دیگری با مشاوران است.

ب) گسترش برنامه‌های ویژه

برنامه‌های سنتی نظیر «غنی‌سازی»^۳ و «تسریع تحصیلی»^۴ بدون توجه به تفاوت‌های فردی و تنوع

تیزهوشی، اثر بخشی نخواهند داشت. وجود حداقل سه نوع نظام روانی ویژه در قلمرو تیزهوشی یعنی نخبگی تحصیلی، خلاقیت^۵ و رهبری، ناکارآمدی برنامه‌های سنتی و ضرورت تمهید برنامه‌های اقتضایی را نشان می‌دهد.

علاوه بر آن، بر نقش «غنی‌سازی آموزشی» برخورد باوری تحصیلی تأکید شده است. این نقش به طور تلویحی از تأثیر غنی‌سازی بر هویت بخشی دانش آموزان حکایت می‌کند. بنابراین محور تأثیر گذاری مدرسه بر هویت و بهسازی آن در میان دانش آموزان استوار شده است.

* نقش هویت

از نیازهای عمده و اساسی نخبگان و به ویژه جوانان نخبه، نیل به یک هویت^۶ محیطی قوی و نیرومند است. بی تردید وجود یک هویت پایدار و نیرومند از شاخصهای اولیه بهداشت روانی است و هرگاه هویت فرد، دستخوش تزلزل، بحران و یا ابهام شود، سلامت روانی وی را به هم می‌ریزد.

هویت یا بی محیطی گونه‌های مختلفی دارد: هوشی، جنسیتی، تحصیلی، شغلی، اجتماعی، زناشویی، خانوادگی، فرهنگی، نژادی و قومی.

از نقطه نظر سنی و تحولی، دوره جوانی تقریباً آغاز مقطع تعادل یافتگی هویت و بهره‌گیری از آن است. پس نقش و تأثیر هویت در جوان، امری بنیادی تر است و می‌تواند میزان سازگاری محیطی وی را رقم زند.

جوانان معمولاً به دو نوع هویت‌یابی بسیار مهم می‌اندیشند: هویت‌یابی خانوادگی و هویت‌یابی شغلی. نوع خانوادگی آن به نوبه خویش در برگیرنده هویت زناشویی و والدینی است.

از پرسشهای اساسی در این قلمرو، بویژه برای جوانان نخبه آن است که آیا دو هویت خانوادگی و شغلی جمع پذیرند یا با یکدیگر متعارضند؟

معمولاً جوانان نخبه مانند هر جوان دیگری در پی جمع پذیری این هویت‌های گوناگون بر می‌آیند و شاید این توانایی را بیش از سایر جوانان در خود بیابند؛ اما نیل به همه این نقش‌های گوناگون در سطحی نیرومند و معتبر به طور همزمان بسیار دشوار است.

«برداشتهای دانشجویان از توانایی و گرایش به هم‌ترازی و موازنه فعالیت شغلی، خانوادگی و جنسی بررسی شد. دویست و هشتادوشش دانشجوی زن و دویست و نه دانشجوی مرد، یک پرسشنامه بیست و هشت موردی را تکمیل کردند که اطلاعات آماری،

در زمینه طرحهای شغلی، اهمیت فرزند داری و فعالیت جنسی را می‌سنجید. نودوسه درصد مردان و تقریباً هشتادوشش درصد زنان، طرح نوعی همترازسازی میان شغل و خانواده را می‌ریختند. اهمیت دهی به داشتن یک شغل همراه با تمایل به داشتن فرزند هم برای مردان و هم برای زنان به طور مثبتی وجود داشت.^(۸)

جوانان در کنار کسب هویت شغلی به هویت یابی خانوادگی خود نیز توجه می‌کنند. این توجه به ویژه در سالهای تحصیلی آموزش عالی، برجسته تر می‌شود. آنها باور دارند که فعالیتهای خانوادگی و شغلی، قابل جمع می‌باشند و توازن پذیرند. به نظر می‌رسد که زنان جوان کمتر قائل به توازن پذیری دو نقش شغلی و خانوادگی هستند و بیش از مردان به تعارض این دو هویت باور دارند؛ ولی ظاهراً این تفاوت جنسیتی، معنادار نیست؛ یعنی جوانان (در هر دو جنسیت) تصور می‌کنند که می‌توان از یک نقش شغلی استوار و رضایتبخش برخوردار بود و در ضمن ازدواج کرد، تشکیل خانواده داد، فرزنددار شد و به وظایف و تعهدات خانوادگی خود عمل نمود.

چنین باورها و طرحهایی گویای وجود انگیزه‌های نیرومند در جوانان است که می‌توان از آن به عنوان «انگیزه هویت یابی محیطی» یاد کرد. چنین انگیزه‌های ظاهراً تحت تأثیر عامل جنسیت قرار نمی‌گیرد و شامل همه مردان و زنان جوان می‌شود. از سوی دیگر مطالعات نشان می‌دهند که نیل به اهداف زندگی در میان مردان نخبه و مستعد بیش از زنان است. هنگامی که وضعیت رضایت زندگی نخبگان در دوره کهنسالی و در دهه هشتم زندگی بررسی می‌شود، نشان می‌دهد که زنان نخبه از این حیث احساس رضایت و خوشنودی کمتری می‌کنند:

«برداشت از هدف یابی و رضایت از زندگی در هفتاد سالگی نخبگان و رابطه آن با اهداف زندگی در سی سالگی، در میان یکصد و چهل و چهار نخبه بررسی شد نتایج بررسی نشان داد که مردان بیش از زنان نخبه، در هفتاد سالگی به اهدافی^۷ رسیده بودند که در سی سالگی در سر می‌پروراندند.»^(۹)

بر این اساس، می‌توان دریافت کرد که مردان نخبه در جمع پذیری نقشهای محیطی گوناگون موفقترند و بیش از زنان نخبه می‌توانند از عهده نقشهای مختلف محیطی برآیند؛ حال آن که توانایی زنان نخبه در نیل به هویت‌های گوناگون، مسلم و محرز نیست. از این رو، پیگیری نقشهای متعارض از سوی زنان، باعث نارضایتی و ناخوشنودی از زندگی می‌شود.

* هویت شغلی و ضرورت آن

هویت شغلی^۱ و تخصصی فرد هسته مرکزی و کانون محوری بلوغ حرفه‌ای وی است. این هویت، شرایط را برای پی ریزی خود باوری و حرمت خود و خودپایایی و مسؤلیت پذیری فرد در شغل فراهم می‌آورد.

از چشم انداز اجتماعی نیز براین نکته واقفیم که سهم قابل ملاحظه‌ای از پویایی و اثر بخشی نیروی کار جامعه، به میزان مسؤلیت پذیری و تعهد حرفه‌ای فرد بستگی دارد. کاهش مسؤلیت پذیری شغلی در افراد جامعه از طریق نزول تعهد سازمانی کم و بیش باعث افزایش نرخ بیکاری می‌گردد و بیکاری، زمینه را برای مهاجرت آماده می‌سازد. این امر شامل نخبگان جامعه نیز می‌شود. بنابر این توجه به هویت شغلی و تخصصی افراد جامعه به حفظ نخبگان و حتی جذب آنها منجر می‌شود.

«هویت شغلی مرکب از چهار مؤلفه و عنصر بنیادین است: اهمیت محتوایی، تعامل و

حمایت اجتماعی، فعالیتهای مساعد و استغراق در کار»^(۴)

هر چه اهمیت یک حرفه و ارزش یک شغل برای فرد بیشتر باشد، هویت شغلی اش نیرومندتر خواهد شد. علاوه بر آن، هویت شغلی فرد به میزان تعامل، مرادده و روابط اجتماعی وی نیز بستگی دارد. روابط اجتماعی و تعامل موفق و مؤثر، به بهبود هویت شغلی می‌انجامد، چنان که هر چه حمایت و پشتیبانی محیطی بیشتری از فرد به عمل آید، هویت حرفه‌ای اش قویتر می‌گردد.

هویت حرفه‌ای شخص ناشی از دو عامل دیگر نیز هست، فعالیتهای شغلی مساعد با مقتضیات آن پیشه هویت شاغل را افزایش می‌دهد و استغراق در کار، اشاره به میزان شیفتگی و پیوند درونی فرد با حرفه اش دارد.

افرادی که در کار خود به سرعت غرق می‌شوند گویا از محیط و فضای اطرافشان منفک شده‌اند- دارای هویت شغلی نیرومندی هستند.

طرحهای حرفه‌ای جوانان برای کسب یک هویت شغلی بهتر و نیرومند است. آنها در جستجوی پیشه‌ای هستند که دارای ارزش و اهمیت فوق‌العاده‌ای باشد، به آنها پیوند اجتماعی استواری بدهد و از پشتیبانی محیطی نیرومندی برخوردارشان سازد، در چنین شرایطی آنها با فعالیتهای مساعد، در کار خود مستغرق می‌شوند.

* اشتغال آزمایشی و اصول آن

هرگونه شرایطی که فعالیتهای شایسته و مساعد را تحقق بخشد، منجر به تقویت هویت شغلی می‌گردد. از این رو، وجود تمهیدات و بسترهای مناسب برای انجام اشتغال به طور آزمایشی در مدارس و مراکز آموزشی به تقویت هویت حرفه‌ای می‌انجامد. از سوی دیگر گزینش تخصصی در مقطع آموزش عالی نیز به این امر منجر می‌گردد.

«هویت شغلی یکصد و سی و شش دانش‌آموز پسر و دویست و سی دانش‌آموز دختر دبیرستانی بررسی گردید. نتایج نشان داد کسانی که دارای شغل آزمایشی بودند، هویت شغلی بالاتری از دانش‌آموزان بدون شغل آزمایشی داشتند»^(۱۱)

بنابر این اشتغال آزمایشی و گزینش تخصصی در مقطع آموزش عالی، دو ابزار اولیه تقویت هویت حرفه‌ای هستند. با تقویت هویت شغلی، خودباوری و حرمت خود اجتماعی^۹ افزایش می‌یابد و شرایط برای پایداری و تقبل مسؤلیت شغل فراهم می‌گردد. چنان‌که مطالعات وجود این پیوند را به خوبی آشکار می‌کنند:

«در کاوش عوامل رشد و پرورش مهارت شغلی برای زنان نخبه، به هفت عامل اساسی توجه می‌شود: (۱) رشد قابلیت‌های فردی (۲) کنترل احساسات و مهار عواطف (۳) رشد خودمختاری (۴) پی‌ریزی هویت (۵) آزادی و استقلال در روابط بین فردی (۶) رشد هدف (۷) رشد یکپارچگی و وحدت یافتگی استوار».^(۱۳)

«بررسی نقطه نظرات یکصد و هشت دختر جوان نخبه نشان داد که رضایت کلی آنها از زندگی با هسته مرکزی خودنگری ابزاری در جهت حرمت خود اجتماعی تحقق می‌یابد. نتایج تحلیلی شش ساله یک مطالعه طولی از نقش محوری خودنگری ابزاری برای اعتماد شغلی، حرمت خود اجتماعی و رضایت کلی از زندگی حمایت کرد».^(۱۰)

به نظر می‌رسد که نظام آموزشی رسمی به‌ویژه در مقاطع متوسطه تحصیلی از طریق راهبرد «اشتغال آزمایشی» بیشترین تأثیر را در تقویت هویت حرفه‌ای دانش‌آموزان دارد. چنان‌که مطالعات نشان می‌دهند:

«اجرای یک برنامه مقابله با ضعف تحصیلی در میان هفده دانش‌آموز تیزهوش هشت تا سیزده ساله عواید مثبتی داشت. دانش‌آموزان مزبور دچار ضعف تحصیلی بودند. این برنامه، پنج تدبیر را در کانون توجه خویش قرار داد: (۱) ارتباط با معلم (۲) راهبردهای خود نظم‌جویی (۳) واریسی ماهیت ضعف تحصیلی توسط خود دانش‌آموز (۴) تعامل با گروه همسال متجانس (۵) کار در حوزه مورد علاقه».^(۳)

علاوه بر این، اشتغال آزمایشی مستلزم بهسازی نگرش تحصیلی در میان دانش آموزان است که این امر تلویحاً پیشرفت درسی (بویژه در حوزه ریاضی) را در بردارد.

«یک برنامه تقویت نگرش ریاضی در دختران تیزهوش پایه‌های چهارم تا هفتم تحصیلی شامل فعالیتهای مشکل‌گشایی، گزینشهای شغلی و حرفه‌ای مربوط به ریاضی و مباحث مربوط به حرمت خود، نتایج مثبت و مؤثری را نشان داد»^(۱).

تحقق راهبرد اشتغال آزمایشی، مبتنی بر پدید آیی و شکل‌گیری دو اصل بنیادین است:

الف) غنی‌سازی (ب) سازگاری

الف) غنی‌سازی: منظور از غنی‌سازی، تعمیق محتویات و مواد درسی موجود براساس بهره‌گیری از امکانات کمک آموزشی متنوع و گسترده (کارگاه، آزمایشگاه، کتابخانه و...) است.

کوششهای غنی‌سازی مستلزم ایجاد دگرگونیهای در فضای خانوادگی دانش آموزان است. این دگرگونیها کم و بیش تلاشهای غنی‌سازی تحصیلی را تکمیل و تقویت می‌کند.

«بررسیها در این باره نشان می‌دهند که در چهار حوزه اساسی، تغییراتی رخ می‌دهد: ۱) فعالیتهای خانوادگی مشترک ۲) تغییراتی در ساختار خانواده ۳) گسترش روابط خانه و مدرسه ۴) تشویق خانوادگی استعداد»^(۱۲).

ساختار خانواده به گونه‌ای دستخوش و دگرگونی قرار می‌گیرد که مجموعه‌ای از فعالیتهای تلاشهای مشترک را در جهت تشویق استعداد فرزند انجام می‌دهد. این امر مستلزم همکاری تنگاتنگ با محیط آموزشی است. از این رو، روابط خانه و مدرسه در حد قابل ملاحظه‌ای گسترش می‌یابد.

ب) سازگاری محیطی: چنان‌که ذکر شد، هویت شغلی نیرومند، مقتضی تعادل و حمایت اجتماعی است. نوجوانان و جوانانی که از پیوند شایسته و روابط مطلوبی با محیط انسانی خویش برخوردارند و از پشتیبانی منابع گوناگون اجتماعی بهره‌ورند، بی‌تردید هویت شغلی نیرومندی نیز بروز می‌دهند. پس آمادگی شغلی آنها افزایش می‌یابد. از این رو، سازگاری محیطی شرایط را برای بهسازی آمادگی حرفه‌ای فراهم می‌کند.

از سوی دیگر، بخش مهمی از خوشنودی فرد از زندگی‌اش به سازگاری و وجود فعالیتهای

اجتماعی وابسته است:

«در یک مطالعه، رضایت از زندگی دویست و نود و هشت نخبه با میانگین سنی بیست و هفت سال بررسی شد. پنج مقوله اساسی مربوط به کیفیت زندگی مورد مطالعه قرار

گرفت: مطلوبیت جسمانی و مادی، روابط با دیگران، فعالیتهای اجتماعی، رشد و کامیابی فردی، سرگرمی و تفریح. این نخبگان درجه بالایی از اعتماد به نفس و رضایت از وضعیت زندگی را نشان دادند. در صد بالایی از آنها در کلیه گروههای سنی، سن کنونی خود را شادترین دوره زندگی خود بشمار می آورند. به طور کلی در حدود هفتاد درصد نخبگان از زندگی خود راضی بودند. سی و چهار درصد در ارتباط با آینده جامعه خود خوش بین بودند. هشتاد و یک درصد در ارتباط با آینده فردی و خانواده خود خوش بینی داشتند. از جمله مهمترین جنبه‌های مورد نظر افراد نخبه، سلامتی و امنیت فردی، یادگیری، خودشناسی و روابط با همسر بود. از کم اهمیت ترین جنبه‌ها، مشارکت در حکومت و امور دولتی بود.^(۲)

«به طور کلی سازگاری هنگامی افزایش می‌یابد که خود آرمانی یک نخبه با واقعیتهای وجودی اش انطباق بیشتری یابد.»^(۱۴)

هر گاه آنچه را که یک فرد نخبه می‌طلبد و به منزله یک نقطه مطلوب می‌جوید، با خصایص واقعی اش هماهنگ نباشد، برخی ناسازگاریهای فردی و اجتماعی رخ می‌دهد و این امر، شرایط را برای بهسازی هویت شغلی و آمادگی حرفه‌ای، صعب و دشوار می‌سازد. اما در چشم انداز تحصیلی، تحقق سازگاری محیطی مقتضی وجود سه هم‌نوایی کلی است:

۱) سازگاری با هیأت علمی: هم‌نوایی با ویژگیهای اعضای هیأت علمی محیط آموزشی، نقطه آغازین سازگاری تحصیلی است. معلمان واجد شایستگیهای شخصیتی، روابط اجتماعی دانش آموز را در محیط تحصیلی تسهیل می‌کنند. از سوی دیگر، کامیابی قویترین برنامه غنی سازی آموزشی در گروه وجود این سازگاری است. معلمان منابع علمی معتبر و رسمی را در چارچوب کوششهای غنی سازی تشکیل می‌دهند. از این رو، سازگاری هر چه بیشتر دانش آموز با معلم، اصل غنی سازی آموزشی را تحقق می‌بخشد و به پیشرفت تحصیلی دانش آموز می‌انجامد. بنابراین:

«ارتباط با معلم، یکی از تدابیر اساسی برای رفع ضعف تحصیلی محسوب شده است.»^(۳)

۲) سازگاری با مدرسه: درک، پذیرش، احترام نسبت به هنجارهای اساسی مدرسه و رعایت عملی این هنجارها، محور سازگاری آموزشی است. ناسازگاری آموزشی در هر سطحی، زمینه را برای ضعف تحصیلی مهیا می‌کند:

«در مطالعه بر روی یکصد و پنجاه و یک دانش آموز تیزهوش تحصیلی (با هوشبهر

۱۳۵) دختر و پسر و یکصد و سی دانش آموز عادی (با هوشبهر ۱۰۲) یافت شد که ضعف

تحصیلی با ویژگیهای شخصیتی، خودباوری پایین، و ناسازگاری آموزشگاهی و اجتماعی مرتبط است»^(۷).

۳) سازگاری با همسالان: پیوند جویی و همزیستی رضایتبخش با همسالان و همکلاسها در محیط آموزشی، سهم عمده‌ای در سازگاری تحصیلی و پیشرفت تحصیلی دارد. به طور کلی تیزهوشان از خودباوری اجتماعی قویتری برخوردارند و خود را در مهارتهای اجتماعی، لایقتر می‌دانند اما از سوی دیگر، میزان سازگاری اجتماعی آنها با همسالان وابسته به سطح تفکیکی بودن محیطهای آموزشی آنهاست:

«در بررسی احساسات و نگرشهای تیزهوشان تازه وارد به دانشگاه در مقایسه با همسالان غیر تیزهوش، تفاوتیابی یافت شد. در این بررسی شصت و دو دانشجوی نخبه و یکصد و شصت و دو دانشجوی غیر تیزهوش مطالعه گردیدند. نتایج نشان داد که تیزهوشان خود را در روابط با دوستان، صمیمی تر می‌دانستند.^(۶)

«برداشت از صلاحیت، سازگاری اجتماعی و روابط همسالان کودکان تیزهوش در برنامه تفکیکی با برنامه عادی (غیرتفکیکی) مقایسه شد. شصت دانش آموز تیزهوش نه تا یازده ساله مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج نشان داد که دانش آموزان تیزهوش تحت برنامه عادی به طور وسیعتری قابلیت‌های شناختی و ادراکی را گزارش کردند. حال آن که تیزهوشان تفکیکی به طرز مثبت‌تری در صلاحیت و قابلیت اجتماعی از سوی معلمانشان نمره دهی شدند»^(۵).

«سیصد و پنجاه و چهار دانش آموز تیزهوش کانادایی از پایه‌های پنجم، هشتم و دهم تحصیلی در دو برنامه کلاسهای خود مهارتی و کلاسهای یکپارچه) با یک گروه چهار صد و هشت نفری مقایسه‌ای مورد مطالعه قرار گرفتند. هر دانش آموز مقیاس خود گزارش دهی متناسب را در ارتباط با لیاقت اجتماعی و احساس نسبت به مدرسه را تکمیل کرد. دانش آموزان تیزهوش برنامه عادی، در هر سه کلاس نمرات بالاتری در خود باوری تحصیلی به دست آوردند و دانش آموزان تیزهوش در برنامه خود مهارتی و گروه مقایسه نمرات خود باوری تحصیلی کمتری احراز کردند. تفاوت‌های چشمگیر و برجسته‌ای میان گروهها بر حسب جنسیت، خودباوری اجتماعی، خودباوری جسمانی و نمره در لیاقت اجتماعی در پایه‌های هشتم و دهم تحصیلی حاصل شد. کودکان تیزهوش در کلاسهایی که تفاوت‌های وسیعی در هوشبهر میان تیزهوش و گروه مقایسه‌ای وجود داشت، کمتر اجتماعی بودند و آمیختگی داشتند. حال آن که هیچ تفاوت معناداری بر حسب نگرش نسبت به مدرسه، میان گروههای مطالعاتی یافت نشد. احساسات نسبت به مدرسه با افزایش سن، کمتر روند مثبتی نشان می‌داد.»^(۱۵)

بنابر این محیط تفکیکی به سازگاری هر چه بیشتر دانش آموزان تیزهوش می‌انجامد و شرایط را برای پیشرفت تحصیلی فراهم می‌کند. علاوه بر آن این سازگاری آموزشی و محیط تفکیکی، مهارت‌های اجتماعی اشتغال آزمایشی را بهبود می‌بخشد. به نظر می‌رسد هر چه سازگاری همسالی دانش آموزان تیزهوش حتی در محیط‌های عادی (غیر تفکیکی) بیشتر شود، پا به پای آن مهارت‌های شغلی مزبور نیز افزایش می‌یابد.

○ ○ ○

یادداشتها:

- | | |
|-----------------------|------------------|
| 1- Giftedness | 2- Gender |
| 3- Enrichment | 4- Acceleration |
| 5- Creativity | 6- Identity |
| 7- Goals | 8- Work identity |
| 9- Social self-esteem | |

منابع:

- ۱- کاظمی حقیقی، ناصرالدین (۱۳۷۵) روان‌شناسی کودکان تیزهوش و روش‌های آموزش ویژه؛ سایه نما؛ تهران
- 2- *Annual meeting of the Southeastern Psychological Association (1983)*.
- 3- Baum, et al (1995). Reversing underachievement: Creative productivity as a systematic intervention, *Gifted Child Quarterly* 39 (4) , 224- 235.
- 4- Bisagni & Eckmode (1995). The role of work identity in women's adjustment to divorce, *American Journal of Orthopsychiatry* 65 (4), 574-583.
- 5- Bourque & Li (1987). Perceived competence, social adjustment and peer relations of intellectually gifted children in segregated versus regular- classroom settings, canadian *Journal of Special Education*, Vol (2), 191- 200.
- 6- Field et al (1998). Feelings and attitude of gifted students, *Adolescence*, 33 (130) , 331-342.
- 7- Hanses, P. & Rost, D. H. (1998). The drama of the gifted underachievers, ordinary or extraordinary underachievers. *Zeitschrift fuer Pädagogische Psychologie*. 12(1) , 53-71.
- 8- Higgins et al (1995). Perceptions of career, family, and sex in relationships, *Psychological Reports*. 7(2) 622.
- 9- Holahan Carole K. (1985). The relationship between Life Goals at thirty and perceptions of Goal Attainment and life satisfaction at seventy for gifted Men and women. *International Journal of Aging and Human Development*. 20 (1) 21-31

- 10- Hollinger & Flemeing (1988). Gifted and talented Young women: Antecedents and Correlates of Life Satisfaction. *Gifted Child Quarterly*, 32 (2) 254-59.
- 11- Leung, S. Alvin (1998). Vocational validity and Career Choice Congruence of gifted and talented high school students. *Counselling Psychology Quarterly*.
- 12- Moon, Sidney M. (1995). The effects of an enrichment program on the families of participants: A multiple- Case study. *Gifted Child Quarterly*, 39 (4), 198- 208.
- 13- Phelps, Christinc E. (1991). Identity Formation in Career Development for Gifted women. *Roeper Review*. 13 (3), 140- 141.
- 14- Roth, Henry S. (1987). Utilizing Earliest Recollections as a Counseling Technique for Gifted and Talented students who Have Social Adjustment problems at school. *Roeper Review*, 9 (4), 226- 29.
- 15- Schneider et al (1987). *The Social Adjustment of Gifted children in ontario schools*. Ontario Dept of Education, Toronto.

